

## تقریب، فراتر از یک شعار

محمد ابراهیمی ورکیائی

قال الله الحكيم في كتابه الكريم: «قالت اليهود ليست النصراري على شيء و قالت النصراري ليست اليهود على شيء و هم يتلون الكتاب كذلك قال الذين لا يعلمون مثل قولهم فالله يحكم بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون» (سورة بقره، آیه ۱۱۳).

اختلاف نظر پیروان ادیان و مذاهب در حقانیت یک آیین، یا یک مکتب و مذهب، تاریخی کهن دارد و از این ناحیه، ضررهای جبرانی ناپذیری بر بشریت وارد آمده و می آید. درباره علل یا عواملی که پیروان مکاتب و مذاهب را به جنگ با یکدیگر واداشته است نیز اختلاف نظر فراوانی در میان اندیشمندان مطرح است، در حالی که خداوند و آفریدگار بشر در کتاب آسمانی خویش درباره این هر دو موضوع، بیانی صریح و روشن نازل فرموده است.

به عنوان نمونه، در آیه فوق درباره اختلاف یهودیان و مسیحیان که تاریخی خونبار و ویرانگر در جامعه جهانی داشته و دارد، می فرماید: یهودیان مدعی اند که مسیحیان مشروعیت الهی ندارند (و همگی اهل دوزخ و قهراً فاقد حقوق انسانی هستند) و متقابلاً مسیحیان نیز بر همین باورند که یهودیان (دیگر پس از بعثت حضرت مسیح) اعتباری ندارند، در حالی که هر دو گروه پیرو یک کتاب آسمانی اند که همان تورات است، و احکام آن را به رسمیت می شناسند. آری، پیش از این دو گروه، بسیاری از کج اندیشان و ناآگاهان همین سخن را می گفته اند، حال آن که داوری این مطلب مخصوص خداست که

در روز قیامت، واقعیت‌ها را بدون ابهام برای آنان مشخص خواهد ساخت.

همان‌گونه که می‌بینیم، در این آیه شریف، خداوند مهم‌ترین عامل اختلاف‌نظر یهودیان و مسیحیان و بلکه همه دیگر انحصارگرایان را جهل و ندانی دانسته است و لذا این اختلاف را با بلیغ‌ترین بیان یعنی جمله «كذلك قال الذين لا يعلمون مثل قولهم» محکوم فرموده، دستور می‌دهد که برای روشن شدن چنین مسائلی، جدال بی‌ثمر کنونی را رها کرده، در انتظار داوری خداوند در قیامت باشند.

در آیه ۴۸ از سوره مائده، که آخرین سوره نازل شده قرآن است و آیات آن حکم نهایی و نسخ‌ناشدنی معرفی شده است، می‌فرماید: «... لكل جعلنا منكم شرعة و منهاجا ولو شاء ربكم لجعلكم امة واحدة ولكن ليلوكم فيما آتاكم، فاستبقوا الخيرات الى الله مرجعكم جميعاً فينبئكم بما كنتم فيه تختلفون».

در این آیه شریف، خداوند در مورد اختلاف پیروان سه آیین بزرگ الهی یعنی یهودیان و مسیحیان و مسلمانان با صریح‌ترین عبارت می‌گوید: برای هر یک از شما آیین ویژه‌ای فرستادیم و اگر خداوند می‌خواست همگی شما را پیرو آیینی واحد و امتی واحد قرار می‌داد، اما خداوند خواسته است با تعدد شریعت، شما را در آنچه به هر کدامتان به صورت مستقل داده است بیازماید. بنابراین در عمل به خوبی‌ها با یکدیگر مسابقه دهید [و از جنگ و نزاع دست بردارید] و بدانید که همگی شما روزی با خدایتان ملاقات کرده، در آن‌جا خداوند واقعیت را برایتان مشخص خواهد ساخت.

بحث درباره این مطالب، گسترده و نیازمند فرصتی ویژه است. مقصود ما در حال حاضر این است که خواننده این دو آیه، قبل از هر چیز با این سؤال روبه‌رو خواهد شد که اگر در منطقی قرآن، یهودیان و مسیحیان حق ندارند یکدیگر را به دلیل اختلاف‌نظرها - که پاره‌ای از آنها در این جهان قابل حل نیز نخواهد بود - محکوم کنند، بلکه باید یهودیان، مسیحیان و مسلمانان با سعه صدر و بزرگواری در عمل به خوبی‌ها بر یکدیگر پیشی بگیرند و همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند، چگونه خداوند راضی خواهد بود که شیعه و سنی دو راه متضاد را در پیش بگیرند و یکدیگر را محکوم کنند؟!!

آیا جهل این دو گروه از جهل مسیحیان و یهودیان و همه دیگر گروه‌هایی که در آیه ۱۱۳ سوره بقره محکوم شده‌اند جدی‌تر است، یا این‌که مشترکات مذاهب اسلامی از مشترکات آن دو گروه، کم‌تر است؟ بی‌شک پاسخ به هر دو سؤال فوق منفی است، بلکه

حقیقت آن است که اگر اختلاف در میان پیروان دو آیین، محکوم است اختلاف بین دو گروه و دو مذهب که هر دو پیرو یک آیین هستند به طریق اولی نکوهیده است. بنابراین دشمنی‌های شیعه و سنی در طول تاریخ به هیچ وجه مورد تأیید خداوند نبوده و نخواهد بود و بلکه برخلاف نص صریح کتاب خداست که می‌فرماید: «اعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا...» و بالطبع همه کسانی که به این اختلاف‌ها دامن می‌زنند در پیشگاه خداوند معاقب خواهند بود.

جالب این است که مسلمانان از دیرباز متوجه این واقعیت بوده‌اند که اختلاف بین مذاهب اسلامی به نفع هیچ گروهی نیست و نتیجه‌ای برخلاف مقصود همگان خواهد داشت و لذا کوشش‌های فراوانی برای تقریب انجام داده و موفقیت‌های ناچیزی نیز داشته‌اند، ولی با نهایت تأسف همان‌گونه که می‌نگریم، این دوگانگی گشوده و بلکه چندگانگی همچنان بیداد می‌کند و امت سرفراز مسلمان را که به تعبیر خداوند دارای بهترین آیین<sup>۱</sup> و دستورالعمل‌اند امتی متفرق و محروم ساخته است.

به عقیده نگارنده، علت اصلی این عدم موفقیت و بی‌نتیجه ماندن همه این تلاش‌های مخلصانه که در مسیر تقریب انجام گرفته و می‌گیرد، عدم صراحت و قاطعیت همه کسانی است که شعار وحدت می‌دهند، ولی حاضر به تصحیح آرا و افکاری که خطای آن در بسیاری از موارد بدیهی می‌نماید نیستند. پر واضح است که وحدت بدون واقع‌نگری و واقع‌بینی محال است و به قول لسان‌الغیب حافظ شیرازی:

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند  
نویسنده این سطور نیز همچون همه مسلمانان آرزومند وحدت است و از شعارهای تهی و توخالی وحدت رنج می‌برد و به ویژه از این موضوع متعجب بوده است که چرا حتی دست‌اندرکاران اداره مرکزی مانند تقریب المذاهب نیز از صراحت لازم بی‌بهره‌اند و از آنان نوشته‌ای مانند آنچه از «شیخ شلتوت» رئیس فقید جامع‌الازهر دیده شد دیده نمی‌شود؟! و این امر از استاد بزرگوار آیت الله واعظزاده خراسانی که بی‌شک از ارکان علم و تحقیق و مورد تأیید همگان بوده‌اند، عجیب می‌نمود، تا این که مصاحبه این بزرگوار را در مجله ارزشمند هفت آسمان ملاحظه کردم و به حق دریافتم که این بزرگوار از معدود کسانی است که به مسئله وحدت و تقریب مذاهب، واقعاً عشق می‌ورزد و حاصل

۱. و انزلنا الیک الكتاب بالحق مصدقاً لما بین یدیه من الكتاب و مهیماً علیه مائده، ۴۸.

عمری تلاش در این مسیر را در این مصاحبه شافی و کافی خود منعکس کرده‌اند. این جانب وظیفه خود می‌دانم که ضمن قدردانی و سپاس از استاد واعظزاده از مدیر محترم مجله هفت آسمان و همه عزیزانی که دست‌اندرکار اداره این مجله ارزشمند هستند قدردانی و تشکر کنم و توفیق روز افزون آنان را در بیان حقایق اسلام ناب محمدی از خداوند بزرگ مسئلت دارم.